



ناظم اخمو باشیم یا مادر مهربان بمانیم!؟

راهکارهایی برای در امان ماندن از آسیب‌های تحصیل در خانه

دکتر مبین صالحی

تنها در کلاس حضوری، قادرند آموزش مطلوب را دریافت کنند.

- برخی مادران با روش آموزش دروس مدرسه در خانه آشنا نیستند.
- برخی مادران در مجموع ارتباط مثبتی با فرزندان خود ندارند.

پیامدها:

- مادر نماد عاطفه و محبت است. کودکان به رابطه عاطفی با مادر نیاز دارند، اما ناآگاهی و فقدان مهارت در مورد چگونگی مدیریت شرایط جدید، به تنش‌های جدی مادر-کودک منجر می‌شود که با دغدغه ریموند و دوروتی مور فرسنگ‌ها فاصله دارد. در خانه بودن کودکان، لزوماً باعث تقویت روابط والد-کودک نمی‌شود؛ در حالی که آنچه اهمیت دارد، کیفیت ارتباط است.

- جنس ارتباط والدین با کودکان با جنس ارتباط معلم با کودک متفاوت است. مادر با فرزندان از جایگاه مادری ارتباط برقرار می‌کند، اما معلم از جایگاه معلمی. مادری می‌گفت: «سی دانش‌آموز دارم و خوشبختانه به خوبی از عهده همه‌شون برمیام؛ ۴۵ دقیقه ساکت سر کلاس میشینن و در عین حال دوستم دارن. در خانه فقط دو تا از اونارو دارم، ولی اصلاً حرف گوش نمیدن!» ما در هر جایگاهی، متناسب با آن

کرونا با وجود همه مشکلاتی که به دنیای انسان‌ها وارد کرد، اتفاقات خوبی را هم به ارمغان آورد! اکنون قصد دارم یکی از همان مشکلات را عقده‌گشایی کنم!

آموزش مجازی روشی است که طی آن کودک در خانه یا در مکان‌هایی دیگر به جز مدرسه آموزش می‌بیند. این نوع آموزش را پدر یا مادر، معلم خصوصی یا معلم برخط (آنلاین) به عهده می‌گیرند.

ریموند و دوروتی مور (۱۹۷۵)، متخصصان مسائل آموزشی، اعتقاد دارند که تحصیل رسمی در مدرسه، بین ۸ تا ۱۲ سالگی باعث آسیب کودک می‌شود. دلیل عمده این آسیب‌ها آن است که پیوندهای عاطفی و رشد هیجانی‌ای که در این دوره در خانه با والدین شکل می‌گیرد، اثرات اساسی درازمدتی را ایجاد می‌کند که با ثبت نام در مدارس قطع می‌شود.

چند واقعیت لمس شده توسط یک روان‌شناس کودک:

- برخی کودکان، با وجود علاقه به مدرسه، آموزش دیدن و حتی انجام تکالیف مدرسه، آموزش مجازی را جدی نمی‌گیرند؛ یعنی حاضر نیستند آن را جایگزین تحصیل در مدرسه بدانند.
- برخی کودکان، به سبب ویژگی‌های شخصی یا اختلال‌های خاص،

۱. بهبود روابط با کودک: سعی کنید از طریق تقویت روابط عاطفی با فرزندتان، بخشی از تأثیرات اجتناب ناپذیر این شرایط آموزشی را خنثی کنید. زمانی را برای بازی با کودک در نظر بگیرید. محبت کلامی و لمسی در طول بازی و البته در ساعات دیگر فراموش نشود. یادمان باشد که ایجاد هیجان‌های مثبت، به کاهش هیجان‌های منفی می‌انجامد. شادی و دلبستگی حاصل از بازی و محبت، محوکننده خشم حاصل از تحت آموزش قرار گرفتن است.

۲. ورود جدی‌تر پدر: نقش پدری با ویژگی‌هایی که دارد، با نقش معلمی نیز هماهنگی بیشتری دارد. در نظام رایج آموزش در ایران، تأکید بر ساختار قانونمند در کلاس، آموزش یک سوپه و تکلیف‌مداری وجود دارد. پدران با توجه به اینکه منبع قدرت در خانواده محسوب می‌شوند، اغلب می‌توانند با تنش کمتر به آموزش کودکان اقدام کنند. دست‌کم با این کار، درگیری مادر با فرزند کمتر خواهد شد. توصیه می‌شود اگر پدر فرصت کافی ندارد، حداقل یک یا دو درس که تنش بیشتری ایجاد می‌کنند را بر عهده بگیرد؛ مانند املا گفتن و تدریس ریاضی.

۳. به‌کارگیری معلم خصوصی: اگر فردی به جز والدین عهده‌دار پیگیری مسائل آموزشی کودک شود، به مصونیت رابطه والدین با کودک کمک خواهد کرد. بعضی از متخصصان حوزه آموزش توصیه می‌کنند، والدین صرفاً مسائل کلی آموزشی مانند مدرسه فرستادن، درخواست از کودک برای نوشتن تکالیف و نظارت بر نمرات را پیگیری کنند، اما کار درباره مسائل جزئی و محتوایی مانند مشکلات درسی را در صورت امکان به فردی دیگر بسپارند.

۴. ارتباط بیشتر معلم-والدین-کودک: هماهنگ شدن با معلم کودک مشکل‌گشا است؛ مخصوصاً با آگاهی کودک از این رابطه. همان‌طور که سرزدن والدین به مدرسه و مشورت و تبادل نظر با معلم و مسئولین آموزشی مؤثر است، در آموزش مجازی نیز بهتر است قبل از بالا گرفتن مشکل، از تجربه آموزگار کودکان استفاده کنید. از سوی دیگر، درخواست‌های شما از او راه حلی سودمند است. اگر معلم تأکید جدی بر انجام تکالیف و پیگیری انجام آن داشته باشد، بچه‌ها با انگیزه بیشتری تکالیف را انجام می‌دهند.

۵. تنظیم زمان مشخص: برای آموزش فرزندتان زمانی را مشخص کنید. اینکه هر لحظه او را دعوت به درس خواندن کنید، هم برای خودتان استرس‌زا است، هم کودک نافرمانی بیشتری خواهد کرد؛ بنابراین زمانی ثابت را تعیین کنید؛ مثلاً هر روز ساعت ۵ تا ۶ عصر. با این کار مدیریت کودک هم برای شما هم برای خودش آسان‌تر است.

رفتار می‌کنیم. شما نمی‌توانید و نباید همان نقشی را در خانه ایفا کنید که در مدرسه بر عهده دارید.

گاهی نقش‌ها در موقعیت‌های خاص، در هم می‌آمیزند؛ مانند مادر یا پدری که نقش معلمی فرزند خودش را بر عهده دارد. خوشبختانه، در عمل می‌بینیم که اغلب والدینی که معلم فرزندشان هم هستند، برای آن‌ها جا می‌اندازند که در مدرسه من فقط معلم تو هستم. هر چند با این کار اوضاع بهتر می‌شود، اما توصیه می‌شود تا جایی که امکان دارد، از قرار گرفتن در چنین شرایطی اجتناب شود؛ زیرا خواه ناخواه، کم‌یا بیش، تصویر ساخته شده از والد، در ذهن کودک دبستانی، آشفته می‌شود. تفکیک نقش‌ها در این دوره سنی، نسبت به دوره نوجوانی دشوارتر است. کودک هر چقدر می‌کوشد خود را قانع کند که این فرد در اینجا فقط معلم من است، نه مادرم/پدرم، باز هم موفقیت کاملی نخواهد داشت. از سویی در منزل، وقتی به صورت مادر یا پدرش نگاه می‌کند، تصویر یک معلم را هم می‌بیند؛ تصویری که نباید با خودش به خانه بیاورد.

من الان مامان نیستم، معلم!

شوربختانه، بسیاری از مادران نمی‌توانند در خانه برای فرزندشان جا بیندازند که در این لحظه من فقط معلم تو هستم، نه مادرت! مادر سعی می‌کند مانند یک ناظم مدرسه، کودک را به کلاس مجازی هدایت کند یا به سان یک معلم، مطالب را به او بیاموزد. چنانچه بیان شد برخی از کودکان امتناع می‌کنند. برخی از مادران نیز به روش‌هایی پناه می‌برند که اغلب یا جواب نمی‌دهد یا تنش جدی در پی دارد؛ تهدید کردن، بالا بردن صدا، اقدام به تنبیه و باج دادن، نه تنها نتایج مثبتی ندارد، بلکه به رابطه مادر-کودک، لطمه می‌زند.

اولویت کدام است؟

آموزه‌های دینی و یافته‌های متخصصین علوم تربیتی به ما آموخته‌اند که هدف والدین، تربیت کودکی موفق است؛ کودکی که در آینده فردی با اعتماد به نفس بالا، مستقل، خودمختار، با انگیزه، خودنظم‌جو، اجتماعی، مردم‌دار و متفکر باشد. اگر تحصیل کردن در راستای این اهداف نباشد، جز آسیب هیچ سودی ندارد؛ بنابراین راه حل اصلی، در نظر داشتن اولویت‌ها است. اولویت فراگیری دانش است یا کسب انسانیت؟ اولویت دکتر و مهندس شدن است یا سلامت روان و رفتار؟

در ادامه چند شیوه برای فائق آمدن بر این مشکلات می‌خوانید. مطمئنم اگر خودتان هم بیشتر و عمیق‌تر به این مسئله بیندیشید، روش‌های مؤثری خواهید یافت.

”

اگر فردی به جز والدین عهده‌دار پیگیری مسائل آموزشی کودک شود، به مصونیت رابطه والدین با کودک کمک خواهد کرد